درنگ

به یاد پدر

دکتر علیرضا برادران رفیعی، فرزند استاد

نوشتن درباره مرحوم پدرم جناب آقای دکتر علی محمد برادران رفیعی کار آسانی نیست. اگر بخواهم در یک جمله کوتاه ایشان را معرفی کنم، باید بگویم ایشان به معنای واقعی کلمه «مرد خدا» بودند. همه ما در طول زندگی از صفات انسان‌های بزرگ زیاد شنیده و آنان را تحسین کرده‌ایم، ولی اغلب اوقات نمی‌توانیم خود را به‌جای آنان قرار دهیم و آن صفات را در خود ببینیم، اما پدرم را می‌توانم با تمام وجود لمس کنم و آن را به دیگران معرفی کنم. پدرم بزرگوار بود و سخن ایشان عملشان بود. بسیار بی‌ادعا و فروتن بودند. با اینکه منشأ خیر و برکت فراوان برای جامعه بودند ولی حتی یک مرتبه از ایشان سخنی در تعریف و تمجید از خودشان نشنیدم. موقعیت برجسته اجتماعی به هیچ روی مایه فخر و مباهات ایشان نبود.

به امور مادی بسیار بی‌توجه بودند. با اینکه ثروت بسیار زیادی از پدر به ارث برده بودند همه را کنار گذاشتند و عمر پربرکت خود را وقف توسعه فرهنگی و اجتماعی ایران عزیز کردند. به همان حقوق دانشگاه قانع بودند و تا جای ممکن بابت مسئولیت‌های مختلف دیگری که بر عهده داشتند، دریافت نمی‌کردند. اگر هم با اصرار مبلغی دریافت می‌کردند آن را به سرعت وقف امور خیریه می‌نمودند. برای مثال، سال‌ها در آستان قدس رضوی و در سمت‌های مختلف خدمت کردند ولی بابت آن هیچ حقوقی نگرفتند. ایشان فردی خیر بودند و این کار را بسیار بی سر و صدا و بدون غوغا انجام می‌دادند. حتی من در مقام فرزند ایشان از بیشتر آن خدمات بی‌اطلاع بودم، تنها یک مورد را برای نمونه بیان می‌کنم. زمین مسکونی را که دانشگاه فردوسی مشهد در اختیار بسیاری از استادان دانشگاه قرار داد و هم‌اکنون تعداد زیادی از استادان گرانقدر در آن ساکن هستند، به رایگان به یک نفر از کارمندان دانشگاه واگذار کردند.

ایشان فردی خیر بودند و این کار را بسیار بی سر و صدا و به هیچ عنوان اهل پارتی بازی نبودند و تقریباً همه فامیل و دوستان ایشان می‌دانستند نمی‌توانند درخواستی شخصی از ایشان داشته باشند، البته اگر درخواست عام‌المنفعه و خیر بود، بی‌شک در انجام آن تلاش و کوشش فراوان داشتند، ولی اگر مزیت خاصی برای کسی ایجاد می‌کرد، به هیچ وجه آن را عملی نمی‌کردند. برای نمونه، زمانی که من دانش‌آموخته پزشکی عمومی شدم، با توجه به اینکه تازه متأهل شده بودم، از ایشان خواستم در صورت امکان با سفارش ایشان بتوانم طرح موظف پزشکان را در مکانی اطراف مشهد بگذرانم. ولی ایشان ضمن مخالفت، گفتند مانند سایر پزشکان به هر منطقه‌ای که وزارت بهداشت صلاح می‌داند بروید و خدمت کنید. بدین گونه، من برای طرح خود یک سال را در یکی از روستاهای دورافتاده و محروم نیشابور و ۶ ماه را در مرز ایران و افغانستان در شهر تایباد گذراندم و سپس، پس از شرکت در امتحانات دستیاری وارد دوره تخصص شدم.

به جرئت می‌توانم بگویم حتی یک مرتبه از ایشان بدی یا غیبت کسی را نشنیدم. طبیعی است هر فردی با مشغله‌های ایشان، موافقان و مخالفانی دارد، ولی من در ۳۰ سال عمری که از محضر ایشان استفاده کردم و محروم نبوده‌ام، هیچ‌گاه نمی‌دانستم ارتباط ایشان با سایر افراد چگونه است.

الگوی ادب

اگر بخواهیم افرادی را که تأثیر بسزایی در رشد فرهنگی و علمی فعالیت‌های تأثیرگذاری در زمینه فرهنگی در این نهاد انجام داد، آستان قدس داشته‌اند نام ببریم، نام دکتر علی محمد برادران رفیعی در این میان خواهد درخشید. او از همان سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب، زمانی که نهاد پربرکت آستان قدس رضوی با مدیریت تولیت

سید جلال حسینی

رئیس سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

وقت آستان قدس، مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی آغاز به کار کرد، فعالیت‌های تأثیرگذاری در زمینه فرهنگی در این نهاد انجام داد. مرحوم دکتر برادران ویژگی‌های اخلاقی منحصر به فرد و کم‌نظیری داشت. کمتر در میان جمع سخن می‌گفت و آنگاه که عنان سخن را در دست می‌گرفت سخنانی ارزشمند بر زبان جاری می‌ساخت؛ سخنانی که از تخصص و فرهیختگی‌اش سرچشمه می‌گرفت به همین دلیل فردی مورد اعتماد برای نهاد آستان قدس رضوی بود.

او پیوسته ادب را بر زندگی می‌کرد. جرئت عجیبی داشت، همواره جانب حقیقت و خدا را می‌گرفت، او خودش را می‌شکست تا یک نفر را نرنجاند.

همه افرادی که با ایشان کار می‌کنند به راحتی نکات خود را مطرح کنند و جایگاه والای علمی و فرهنگیشان موجب نمی‌شد کسانی که در مراکز مختلف آستان قدس فعالیت می‌کردند چالش‌های خود را با ایشان در میان نگذارند و با صمیمیتی مثال زدنی به سخنان همه گوش فرا می‌داد.

نشانه توبه‌کننده چهار چیز است: عمل خالصانه برای خدا، رها کردن باطل، پایبندی به حق و حریص بودن بر کار خیر.

یادداشت

گفتارهایی در ارج گزاری جایگاه علمی و فرهنگی دکتر علی محمد برادران رفیعی

همّت رفیع

امید حسینی نژاد

گاهی حضور برخی از انسان‌های فرهیخته در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی زمینه‌ساز تحولاتی شگرف می‌شود. چنین انجام فعالیت‌های بنیادی می‌تواند درس آموز کسانی باشد که سال‌های بعد در همان جایگاه تکیه می‌زنند. آستان قدس رضوی پس از پیروزی انقلاب اسلامی مسیری متعالی برای خدمت‌رسانی به زائران امام رضا(ع) را شروع کرد. وجود مدیرانی کاردان و فرهیخته نقطه آغاز این تحولات بود.

دکتر علی محمد برادران رفیعی یکی از مدیرانی بود که در سال‌های نخست پیروزی انقلاب با درخواست تولیت وقت آستان قدس رضوی به این آستان مقدس ورود پیدا کرد و با درایتی مثال‌زدنی سرآغاز خدمات بزرگی در عرصه فرهنگی کرد.

او در سن ۲۱ سالگی با انجمن پیروان قرآن آشنا شد و در برنامه‌های این انجمن شرکت می‌کرد. مرحوم برادران در خاطرات خود در این باره گفته است: «پس از پایان دوره ابتدایی، به وسیله یکی از دوستان پدرم به نام آقای ابوالحسن سررشته دار، با «انجمن پیروان قرآن» و مرحوم علی اصغر عابدزاده آشنا شدم. ایشان من را که در آن زمان حدود ۲۱ سال داشتم، در یکی از دوره‌های قرآن «انجمن پیروان قرآن» عضو کرد. از طریق دوره‌های قرآن کم کم علاقه مند شدم که کمی هم درس عربی بخوانم. عربی را هم خیلی خوب در آنجا فرا گرفتم. از معلمانی که آن زمان در مهدیه به تدریس اشتغال داشتند، می توانم از شهید حسین آستانه پرست، غلامرضا قدسی، حاجی غیوری و آیت الله حاج آقا حسن صالحی نام ببرم.»

او با تشویق اطرافیان موفق به دریافت دیپلم ریاضی نیز شد. با قبولی در کنکور، لیسانس زبان فرانسه را از دانشکده ادبیات مشهد گرفت. در این زمان پس از ازدواج، برای ادامه تحصیل در دانشگاه سوربن فرانسه نام‌نویسی کرد و با دریافت مدرک دکترای روان‌شناسی به کشور بازگشت.

دکتر برادران سال ۱۳۴۵ خورشیدی به عنوان مدرس دانشگاه همکاری اش را با دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد آغاز نمود و سال ۱۳۵۰ به عنوان استادیار روان‌شناسی، عضو رسمی هیئت علمی و سال ۱۳۷۸ پس از ۳۲ سال تدریس از دانشگاه فردوسی بازنشسته شد.

در بحبوحه انقلاب در سال ۵۷ به فعالیت‌های انقلابی دانشگاه پیوست و پس از پیروزی انقلاب مدتی سرپرستی بنیاد مستضعفان خراسان به او واگذار شد. با دعوت آیت‌الله طبسی به آستان قدس رضوی آمد و از سال ۵۸ تا سال‌های اخیر عضو هیئت امنای آستان قدس بود.

او درباره این باره گفته است:« همزمان با مسئولیت آیت الله واعظ طبسی در آستان قدس رضوی عضو هیأت امنای آنجا شدم و پس از دکتر عباس سعیدی رضوانی که رئیس کتابخانه بود، برای چهار ماه سرپرستی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی» را قبول کردم. با اصرار زیاد، به من پیشنهاد سرپرستی «بنیاد مستضعفان خراسان» داده شد؛ بنابراین آقای رمضان طبسی شاکری که توسط آقای علی امیربور معرفی شده بود، جایگزین من در مدیریت کتابخانه آستان قدس رضوی شد و من به بنیاد مستضعفان رفتم.» مرحوم برادران از سال ۶۲ خورشیدی به عنوان معاون فرهنگی به کار اجرایی در آستان قدس رضوی پرداخت. ایشان در ایجاد یا گسترش بسیاری از مؤسسات فرهنگی آستان قدس رضوی مانند سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد، دانشگاه امام رضا(ع)، بنیاد فرهنگی رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مؤسسه چاپ و انتشارات، مؤسسه فرهنگی قدس، مرکز آفرینش‌های هنری و سایر مؤسسات نقش مؤثری داشته است.

وی ۱۲ آبان ۷۸ به سمت رئیس کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی منصوب و با تصویب چارت جدید ۲۷ شهریور ۸۲ به سمت رئیس سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد ابقا شد.

۲۲ مرداد مراسم بزرگداشت این فرهیخته نام آشنای مشهدی در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد.

در ادامه برای ارج‌گزاری مقام علمی و فرهنگی دکتر برادران گفتارهایی از دکتر محمدمهدی رکنی استاد پیشکسوت دانشگاه فردوسی، دکتر محمدحسین پاپلی یزدی استاد پیشکسوت دانشگاه تربیت مدرس و دکتر محمدجعفر یاحقی استاد دانشگاه فردوسی مشهد در آورده‌ایم.

این گفتارها گوشه‌ای از خدمات و تلاش‌های او را در سال‌های حضورش در آستان قدس رضوی برای ما روشن می‌کند.

اندیشمند متواضع

دکتر محمدمهدی رکنی یزدی، استاد پیشکسوت دانشگاه فردوسی | سابقه آشنایی من با مرحوم دکتر برادران به پیش از انقلاب اسلامی می‌رسد. ایشان همکاری بسیار نزدیک ما به پس از تعطیلی دانشگاه‌ها و خدمت در امور فرهنگی آستان قدس رضوی مربوط می‌شود. مثلاً از زمان تأسیس بنیاد پژوهش‌های اسلامی در سال ۱۳۶۳ که نمادی از همکاری حوزه و دانشگاه بود، هر دو عضو هیئت مدیره بودیم. افتخارنظرهای کوتاه که گاه با کنایه‌ای آبلغ مِنَ التصریح گفته می‌شد، سخنش را حلاوت و طراوت می‌بخشید و راهگشا بود.

دکتر برادران عضو هیئت امنای آستان قدس بود و برنامه‌ریزی و توسعه مؤسسات فرهنگی به او سپرده شده بود که می‌بایست بودجه لازم به تصویب می‌رسید و در ایجاد مدارس و دبیرستان‌ها و دیگر مراکز آموزشی و فرهنگی هزینه می‌شد. وی مدت‌زمانی هم رئیس کتابخانه مرکزی آستان قدس بود با تعدادی از کتابخانه‌های وابسته در شهرهای دیگر و اسباب پیشرفت آن مرکز دیرینه‌سال را فراهم نمود.

با آنکه سال‌ها رئیس بود به یاد ندارم از خودرو مخصوص برای کارهای شخصی استفاده کرده باشد. بارها شاهد بودم با اتوبوس به منزل می‌رفت، چنان‌که صبح اول وقت با وسیله عمومی به محل کار می‌رفت.

صحابه‌های روزانه‌ای و عکس گرفتن و شرح کارها شاه‌بیت نمایم و ثواب آن را به روان پاک آن روشناس هدیه کنم.

دامنه عدالت علوی آن‌قدر گسترده است که به غیرمسلمان در کشور اسلامی هم می‌رسد. گزارش نقل‌شده از محدث معروف شیخ حر عاملی مدفون در صحن انقلاب در جوار حرم حضرت رضا(ع) ما را با واقعیتی شنیدنی آشنا می‌کند. با حذف زنجیره اسناد، عن محمد بن ابی حمزه عن رَجُل بَلَغَ به امیرالمؤمنین(ع)، قال: مَرَّ شَیخٌ مکفوفٌ یسأل. فقال امیرالمؤمنین علیه‌السّلام: ما هذا؟ قالوا: یا امیرالمؤمنین، نصرانی. فقال أمیرالمؤمنین(ع): استَعمَلتُموهُ حَتّی إذا کبر و عجز مَنَعتُموهُ؟ أنفِقوا علیه مِن بَیتِ المال، یعنی راوی از مردی می‌گوید که امیرالمؤمنین(ع) به او رسید. پیرمرد نابینایی که گدایی می‌کرد [از جلو حضرت] عبور کرد. امام فرمود: این چیست؟ گفتند: ای امیرمؤمنان، او [فقیر] نصرانی است. بعد، امیرمؤمنان - که درود خدا بر او باد - گفت: [در جوانی] او را به کار گرفتید و از وی استفاده کردید، چون پیر و ناتوان شد حقوق او را نمی‌پردازید. از بیت‌المال به او حقوق دهید.

نتیجه آشکاری که از آن حدیث موثق می‌گیریم این است که حقوق شهروندی برای مسلمان و غیرمسلمان که در ذمّه اسلام هستند مساوی است. نتیجه مهم دیگر بیمه بازنشستگی و از کارافتادگی است که باید برای همگان برقرار شود و از وظایف حکومت اسلامی است. اینجانب امیدوارم حاکمان مسلمان که نیت خیر دارند، موفق به اجرای چنان تعلیماتی شوند و به مصداق «وَ الذینَ جَاهَدوا فینَا لَنَهدِیَنَّهُم سُبُلَنَا» هدایت الهی شامل حالشان شود و راه دررا بر روی آنان نبندد.

اسطوره‌ای ناشناخته

دکتر محمدحسین پاپلی یزدی، استاد پیشکسوت دانشگاه تربیت مدرس | دکتر برادران فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی زمینه‌ساز و آستان قدس رضوی پس از پیروزی انقلاب اسلامی مسیری متعالی برای خدمت‌رسانی به زائران امام رضا(ع) را شروع کرد. وجود مدیرانی کاردان و فرهیخته نقطه آغاز این تحولات بود.

دکتر علی محمد برادران رفیعی یکی از مدیرانی بود که در سال‌های نخست پیروزی انقلاب با درخواست تولیت وقت آستان قدس رضوی به این آستان مقدس ورود پیدا کرد و با درایتی مثال‌زدنی سرآغاز خدمات بزرگی در عرصه فرهنگی کرد.

او در ۲۵ فروردین ۱۳۱۶ خورشیدی در یک خانواده مذهبی در شهر مقدس مشهد متولد شد. پدرش محمدباقر شغل بارفروشی داشت.

دکتر برادران رفیعی در سفرنامه حج، در مورد پدرش حاج محمدباقر چنین می نویسد: «... از سال‌های ابتدای جوانی وضع مالی خیلی خوبی داشتم و همیشه مرفه و با آسایش زندگی می کردم و در مقابل دوستانم کمی نداشتم و همه این‌ها از پرتو محبت فراوان پدر به من بود.

او را به حد پدری می پرستم و همیشه به او احترام می گذارم» دوره ابتدایی را در دبستان «بدر» بالاخیابان و دبستان «۱۵ بهمن» کوچه رضویها واقع در محل سابق بیمارستان امام رضا(ع) تا کلاس ششم گذراند.

دیپلم ادبی را در مدرسه شبانه آقای مستوفی (در محل فعلی فرهنگسرای بهشت) کوچه جنت و به صورت شرکت در امتحانات متفرقه دریافت کرد.

او در سن ۲۱ سالگی با انجمن پیروان قرآن آشنا شد و در برنامه های این انجمن شرکت می‌کرد. مرحوم برادران در خاطرات خود در این باره گفته است:« پس از پایان دوره ابتدایی، به وسیله یکی از دوستان پدرم به نام آقای ابوالحسن سررشته دار، با «انجمن پیروان قرآن» و مرحوم علی اصغر عابدزاده آشنا شدم. ایشان من را که در آن زمان حدود ۲۱ سال داشتم، در یکی از دوره های قرآن «انجمن پیروان قرآن» عضو کرد. از طریق دوره های قرآن کم کم علاقه مند شدم که کمی هم درس عربی بخوانم. عربی را هم خیلی خوب در آنجا فرا گرفتم. از معلمانی که آن زمان در مهدیه به تدریس اشتغال داشتند، می توانم از شهید حسین آستانه پرست، غلامرضا قدسی، حاجی غیوری و آیت الله حاج آقا حسن صالحی نام ببرم.»

او با تشویق اطرافیان موفق به دریافت دیپلم ریاضی نیز شد. با قبولی در کنکور، لیسانس زبان فرانسه را از دانشکده ادبیات مشهد گرفت. در این زمان پس از ازدواج، برای ادامه تحصیل در دانشگاه سوربن فرانسه نام‌نویسی کرد و با دریافت مدرک دکترای روان‌شناسی به کشور بازگشت.

دکتر برادران سال ۱۳۴۵ خورشیدی به عنوان مدرس دانشگاه همکاری اش را با دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد آغاز نمود و سال ۱۳۵۰ به عنوان استادیار روان‌شناسی، عضو رسمی هیئت علمی و سال ۱۳۷۸ پس از ۳۲ سال تدریس از دانشگاه فردوسی بازنشسته شد.

در بحبوحه انقلاب در سال ۵۷ به فعالیت‌های انقلابی دانشگاه پیوست و پس از پیروزی انقلاب مدتی سرپرستی بنیاد مستضعفان خراسان به او واگذار شد. با دعوت آیت‌الله طبسی به آستان قدس رضوی آمد و از سال ۵۸ تا سال‌های اخیر عضو هیئت امنای آستان قدس بود.

او درباره این باره گفته است:« همزمان با مسئولیت آیت الله واعظ طبسی در آستان قدس رضوی عضو هیأت امنای آنجا شدم و پس از دکتر عباس سعیدی رضوانی که رئیس کتابخانه بود، برای چهار ماه سرپرستی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی» را قبول کردم. با اصرار زیاد، به من پیشنهاد سرپرستی «بنیاد مستضعفان خراسان» داده شد؛ بنابراین آقای رمضان طبسی شاکری که توسط آقای علی امیربور معرفی شده بود، جایگزین من در مدیریت کتابخانه آستان قدس رضوی شد و من به بنیاد مستضعفان رفتم.» مرحوم برادران از سال ۶۲ خورشیدی به عنوان معاون فرهنگی به کار اجرایی در آستان قدس رضوی پرداخت. ایشان در ایجاد یا گسترش بسیاری از مؤسسات فرهنگی آستان قدس رضوی مانند سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد، دانشگاه امام رضا(ع)، بنیاد فرهنگی رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مؤسسه چاپ و انتشارات، مؤسسه فرهنگی قدس، مرکز آفرینش‌های هنری و سایر مؤسسات نقش مؤثری داشته است.

وی ۱۲ آبان ۷۸ به سمت رئیس کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی منصوب و با تصویب چارت جدید ۲۷ شهریور ۸۲ به سمت رئیس سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد ابقا شد.

۲۲ مرداد مراسم بزرگداشت این فرهیخته نام آشنای مشهدی در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد.

در ادامه برای ارج‌گزاری مقام علمی و فرهنگی دکتر برادران گفتارهایی از دکتر محمدمهدی رکنی استاد پیشکسوت دانشگاه فردوسی، دکتر محمدحسین پاپلی یزدی استاد پیشکسوت دانشگاه تربیت مدرس و دکتر محمدجعفر یاحقی استاد دانشگاه فردوسی مشهد در آورده‌ایم.

این گفتارها گوشه‌ای از خدمات و تلاش‌های او را در سال‌های حضورش در آستان قدس رضوی برای ما روشن می‌کند.

مدیری دوراندیش

دکتر محمدجعفر یاحقی، استاد دانشگاه فردوسی مشهد | قرن‌ها امور فرهنگی در آستان قدس منحصر بود به کتابخانه و شمع روشن کردن پشت پنجره فولاد و درنهایت نواختن نقاره‌خانه در هر بامداد و شامگاه و هر عید و سرور... در قلمرو کاخ قدس، نقشی عمده و کلیدی داشت که خیلی هم چشم‌نمی‌آمد. او از سال‌های نخست دهه ۶۰ برای کارهای فرهنگی در آستان قدس دامن همت به کمر زد و با پارمندی افراد پیوقت گمنام، ابتدا مؤسسه چاپ و انتشارات و همزمان بنیاد پژوهش‌های اسلامی را پایه‌گذاری کرد.

از اقدامات و کوشش‌های دکتر برادران برای تعریف و راه‌اندازی شبکه مؤسسات فرهنگی آستان قدس سخنی نمی‌گویم؛ برای آنکه همگان و دست‌کم آن‌ها که در جریان مسائل فرهنگی آستان قدس پس از انقلاب هستند، می‌دانند و یقین دارند اگر برادران رفیعی در آستان قدس نمی‌بود بدون شک چهره فرهنگی این نهاد مذهبی نه آنی بود که امروز هست. همگان می‌دانند آنچه در آستان قدس از نظر فرهنگی اتفاق افتاد چیزی بود که او توانست ایجاد کند، نه آنی که او می‌خواست اتفاق بیفتد. او پرتو متنبلی بود که می‌توانست آستان قدس و صورت‌های گرفت‌وگیرها و حد و مرزهای آستان قدس را روشن کند. ملازم آن هم بر کسی پوشیده نیست.

من در مرکز خراسان‌شناسی بیش از هرجا با دکتر برادران و خط مشی آرام و در عین حال پیش‌برنده او سر و کار داشتم. به گمانم وی در آن زمان عنوان معاونت فرهنگی آستان قدس را هم داشت. اینها مؤسسه چاپ و انتشارات نبود و برایش فرقی نمی‌کرد معاون باشد یا مشاور و یا اصلاً هیچ سمتی نداشته باشد. او می‌خواست کار کند، اصلاً هیچ پشت پرده، اصلاً در بند آن نبود آنچه می‌کند به نام چه کسی تمام می‌شود. دست آدم‌ها را می‌گرفت و راه برای تشکیل یک نهاد یا مؤسسه هموار می‌کرد و ناگهان می‌دیدیم این یا آن مؤسسه تشکیل شد و کسی هم در رأس آن قرار گرفت و شروع به کار کرد. خراسان‌شناسی هم همین طور بی‌سروصدا تشکیل شد. من در یک اتفاق پیشنهاد آن را دادم، چند روز بعد گفتند: شما خودت مدیرعامل. دکتر برادران دست مرا گرفت و برد در دست قائم‌مقام آستان قدس گذاشت که من تا آن روز اصلاً ندیده بودم و او هم خواهی‌نخواهی ابلاغی صادر کرد، با هیئت مدیره‌ای که خود دکتر هم یکی از آنان بود. در نخستین جلسه هیئت مدیره که خواستیم رئیس هیئت مدیره انتخاب کنیم، هرکار کردیم نپذیرفت و به اصرار و پیشنهاد خودش یک تن دیگر به این سمت انتخاب شد. از آن پس، هر هفته در جلسات هیئت مدیره و جلسات مدیران آستان قدس که هر دو سه هفته یک بار تشکیل می‌شد او را می‌دیدم و به منش آرام و صلح‌جویانه او خو می‌گرفتم. هرگز ندیدم از چیزی روی در هم کشد. اگر از چیزی یا پیشنهادی خوشش نمی‌آمد هرگز نمی‌توانستی از چهره‌اش بفهمی چه فکری می‌کند. وقتی نوبت به اظهار نظر او می‌رسید با لهجه غلیظ مشهدی می‌گفت: «اویم مشه». این هم درست است» و بعد نظر خود را ملایم و مستدل ابراز می‌کرد به‌طوری که آرام و بی‌چون و چرا به آن نظر منتقل و با او هم‌عقیده می‌شدی.

هیچ‌وقت به‌گونه‌ای عمل و یا طوری وانمود نمی‌کرد که مدیران فرهنگی چشم به پشتیبانی او بدوزند و خود کاری نکنند. هرکسی بایستی روی پای خودش می‌ایستاد و خودش گلیم خود و مؤسسه‌اش را از آب بیرون می‌کشید. در عین حال می‌دیدم گاهی حمایت‌های نامرئی او کار خودش را می‌کرد. یادش ماندگار باد!

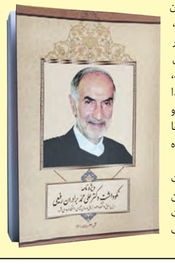

سوءاخلاق

دکتر برادران از نظر اخلاقی برخوردار از فضائل و نیکی‌ها را در خود جمع داشت. مالی، باوجود تمول مالی، ساده‌زیست بود و از هرگونه تجمل پرهیز می‌کرد. به نظم و وقت‌شناسی اهمیت می‌داد. طبعی بلند و منشی معتدل داشت. هیچ‌گاه در پی منافع شخود نبود و همواره منافع جمع را بر منفعت‌های شخصی ترجیح می‌داد. شخصی ترجیح می‌داد. به صبر و شکیبایی شهره بود و از تملق و چاپلوسی به هیچ روی خوشش نمی‌آمد. اگر دستش می‌رسید به نیازمند و درمانده‌ای کمک می‌کرد.

برش

سنگین‌ترین چیزی که روز قیامت در ترازوی اعمال قرار داده می‌شود صلوات بر محمد و اهل بیت اوست.

گزارش

قائم مقام اسبق تولیت آستان قدس رضوی مطرح کرد

مرحوم «برادران رفیعی» پایه‌گذار حرکت‌های فرهنگی در آستان قدس رضوی بود

رواق | قائم مقام اسبق تولیت آستان قدس رضوی در مراسم نکوداشت مرحوم دکتر علی محمد برادران رفیعی با تجلیل از شخصیت مرحوم دکتر برادران، او را پایه‌گذار فعالیت‌های فرهنگی و وحدت حوزه و دانشگاه در آستان قدس رضوی معرفی کرد.

به گزارش رواق، در مراسمی که شنبه ۲۲ مردادماه به همت مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه فردوسی مشهد در محل باشگاه مفاخر و پیشکسوتان این دانشگاه برگزار شد از یک عمر فعالیت علمی و فرهنگی زنده‌یاد علی محمد برادران رفیعی، رئیس اسبق دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد تجلیل شد.

■ **از پایه‌گذاری دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع) تا مرکز چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی**

کریمی قدوسی عضو مرکز مرحوم برادران در آستان قدس رضوی را همزمان با انقلاب اسلامی و با دعوت تولیت فقید وقت آستان قدس رضوی، مصادف با نیل گذاری‌هایی در این دستگاه مقدس معرفی کرد و گفت: وحدت حوزه و دانشگاه ایشان در آستان قدس نمونه‌ای بارز برای توحید و تحقق و پژوهش را در قلب بنیاد پژوهش به ظهور رساند. مرحوم برادران رفیعی در ایجاد دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع) همت گماشت و با همه کمبودها و سرسختی‌هایی که آن زمان در آستان قدس رضوی وجود داشت، این دانشگاه را در یک آبادترین در خیابان شهید محمد منتظری و با اولین رشته به نام کتابداری تأسیس کرد؛ دانشگاهی که امروز به یک پایگاه بین‌المللی تبدیل شده است.

وی افزود: مرحوم برادران رفیعی همچنین مرکزی به نام به‌پوش را با کمک دکتر سعیدی تبدیل به مرکز به‌نشر کرد و مجموعه لباس فروشی مقابل دانشگاه تهران را به بزرگ‌ترین کتاب‌فروشی در این شهر بدل نمود. زمانی که در آستان قدس رضوی خبری از چاپ کتاب نبود، او با دستگاه چاپ ملخی، آن هم به صورت دسته دهم، در مرکز چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی کار نشر کتاب را پایه گذاری کرد.

قائم مقام اسبق تولیت آستان رضوی خاطرنشان کرد: زمانی که در آستان قدس رضوی با شرایط سخت توسعه همراه بودیم و کار عمرانی به هم آمیز ترجیح داشت، وی غافل از این موضوع نبود و با سرسختی، پافشاری و پیگیری مداوم برای تحقق بودجه‌های فرهنگی آستان قدس رضوی اقدام می‌کرد.

وی برادران را پایه‌گذار مسائل فرهنگی در آستان قدس رضوی دانست و با اشاره به دقت وسواس او در تجلی مرکز خراسان‌شناسی این آستان نیز گفت: توسعه کتابخانه‌های وابسته آستان قدس رضوی یکی دیگر از اقدامات مرحوم برادران است که به توسعه علم و دانش کمک کرده‌است.

■ **دکتر برادران در انتشار تمام کتاب‌های آستان قدس رضوی شریک است**

در ادامه این مراسم دکتر محمدجعفر یاحقی، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد با ذعوت به فعالیت‌هایی که دکتر برادران در آستان قدس اشاره به فعالیت‌هایی که دکتر برادران در آستان قدس انجام داد، آن را بی‌مانند توصیف کرد و گفت: او این فعالیت‌ها را به‌گونه‌ای انجام داد که هیچ‌کس متوجه نمی‌شد و در نهایت مدارا، خضوع و خشوع این کارها را انجام می‌داد.

هیچ‌وقت به‌گونه‌ای عمل و یا طوری وانمود نمی‌کرد که مدیران فرهنگی چشم به پشتیبانی او بدوزند و خود کاری نکنند. هرکسی بایستی روی پای خودش می‌ایستاد و خودش گلیم خود و مؤسسه‌اش را از آب بیرون می‌کشید. در عین حال می‌دیدم گاهی حمایت‌های نامرئی او کار خودش را می‌کرد. یادش ماندگار باد!

■ **مرحوم برادران رفیعی عاری از هر گونه بیگانگی بود**

رامپور صدر نیوی، استاد پیشکسوت دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد نیز در این مراسم با یادآوری سال ۱۳۴۸ و شروع همکاری و هم‌اتاقی بودنش با دکتر برادران رفیعی و اینکه وی موجبات آشنایی او را فراتر کرد می‌گوید: خوشم می‌آید سخن را آغاز کرد. وی با بیان علت امور خیر پنهانی مرحوم برادران رفیعی گفت: من تعجب می‌کردم از اینکه از حق کسانی که با او زاویه‌های وحشتناک داشتند دفاع می‌کرد، زیرا همیشه رو به حقیقت ایستاده بود و اندیشه پاکش را به صاحب هستی وصل می‌کرد. این مرد اقیانوسی آرام و هنگامی که تصمیم بر دفاع داشت، پرقدرت، نرم و باادب بود.

وی با بیان اینکه دکتر برادران رفیعی عاری از هرگونه بیگانگی بود، تصریح کرد: او با همه دوست بود زیرا بر جایگاه انسانیت قرار داشت. دین و مذهب و هر گونه اندیشه متافیزیکی برای آن است که این موجود را به مقام انسانیت ارتقا دهد و دکتر برادران از این جنبه سرشار بود و من هیچ‌گاه نشنیدم ادعای تدین کند اما به‌شدت دیندار بود و عبارت «و من یتوکل علی الله فهو حسبه» خدا برای کسی که او توکل کند، کافی است» به کمال در دکتر برادران دیده می‌شد.

■ **ویژه‌نامه نکوداشت مرحوم علی محمد برادران رفیعی رونمایی شد**

در ادامه این برنامه ویژه‌نامه نکوداشت مرحوم علی محمد برادران رفیعی با حضور دکتر احمد ضابط رئیس دانشگاه فردوسی مشهد، علی کریمی قائم‌مقام تولیت آستان قدس رضوی، دکتر محمدمهدی رکنی یزدی استاد پیشکسوت دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد و فرزندان مرحوم برادران رفیعی رونمایی شد. این ویژه‌نامه به کوشش محمدتقی منشی طوسی، مؤلف این ویژه‌نامه، عضو و مدیر پیشین گروه ترجمه بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی و محمدرضا مرواریدی، دیگر مؤلف این ویژه‌نامه منتشر شده است.

برش

اندیشمند دین‌مدار

دکتر برادران با همه دوست بود زیرا بر جایگاه عظیم انسانیت قرار داشت. دین و مذهب و هر گونه اندیشه متافیزیکی برای آن است که این موجود را به مقام انسانیت ارتقا دهد و دکتر برادران از این جنبه سرشار بود و من هیچ‌گاه نشنیدم ادعای تدین کند اما به‌شدت دیندار بود و عبارت «و من یتوکل علی الله فهو حسبه» خدا برای کسی که او توکل کند، کافی است» به کمال در دکتر برادران دیده می‌شد.